

آینه ایران

«جزئیات اختلاف ۴ ساله جراح اسیدپاش و مدیر بیمارستان»

جراح اسیدپاش پرده از جزئیات اختلاف چهارساله‌اش با مدیر بیمارستان ضیاییان برداشت... دکتر جراح با چهره‌ای آرام پیش روی بازپرس «حسین‌پور» در شعبه ۵ دادسرا ایستاد و گفت: دکتر انوری و رییس بیمارستان ضیاییان با من اختلاف داشتند و منشا این اختلافات هم خود دکتر انوری بود... دکتر جراح در مصاحبه کوتاهی به شوک گفت: دکتر باید ادب می‌شد و چون دیدیم پلیس اسیدپاش‌های اصفهان را دستگیر نکرده احتمال دادیم که ما نیز دستگیر نمی‌شویم و به همین خاطر دست به کار شدیم و اصلا فکر نمی‌کردیم به این زودی دستگیر شویم.

اعتراض

سرمقاله: «درباره افزایش قیمت «نان»

طبیعتا هر افزایش قیمتی ناخوشایند است... واقعیت این است که با توجه به همه اتفاقاتی که طی چندسال گذشته روی داده، اگر قیمت نان افزایش پیدا نکند در عرضه نان تنها به این دلیل که کسی دیگر حاضر به پخت نان نیست، دچار مشکل می‌شویم... می‌دانیم که چقدر این تصمیم سخت بوده و دولت فشار بسیاری را برای این تصمیم‌گیری تحمل کرده است اما چاره‌ای جز این ندارد. پرداخت هر یارانه‌ای در حوزه اقتصاد اصولا بد نیست. ولی هر سیاست یارانه‌ای باید به سه سوال بتواند پاسخ دهد: چرا پرداخته می‌شود؟ به چه کسانی باید پرداخته شود؟ تا چه زمانی باید پرداخته شود؟ ولی در مورد «نان» به‌طور خاص، که پرداخت یارانه به آن کاملا توجیه‌پذیر است باید جواب دهیم که از چه محلی باید پرداخته شود؟ باید چه بودجه‌ای را حذف کنیم تا دولت بتواند یارانه نان را بپردازد؟ اگر نتواند این کار را انجام دهد چه کند؟ آیا منتقدان دولت توصیه می‌کنند که برای پرداخت یارانه بیشتر، دولت بازدهم هم اقدام به چاپ پول بدون پشتوانه کند؟

روزگار

یادداشت: «افزایش قیمت نان وگران شدن کرایه تاکسی، بنبرو...»؛ بهناز قاسمی

دولت‌مدان مدام از ثابت‌بودن قیمت نان در سه سال اخیر سخن می‌گویند تا افزایش قیمت ۴۰درصدی را به حق و منطقی جلوه دهند. در حالی که عدم‌افزایش قیمت در سال ۹۱ و ۹۲ مربوط به مسایل انتخابات بود و دولت تدبیر، علاقه‌ای به تغییر قیمت کالاها به‌ویژه نان نداشت. اما تا چه زمانی قرار است این روند و دور باطل ادامه یابد، اینکه قیمت یک کالا سه‌سال ثابت باشد و پس از سه سال به‌یکباره با یک ۴۰درصدی مواجه شود. در شرایطی که طبق اعلام بانک مرکزی، نرخ تورم به حدود ۲۰درصد رسیده است، چرا باید قیمت نان ۳۰درصد افزایش پیدا کند؟ مگر حقوق کارمندان بالاتر از نرخ تورم افزایش می‌یابد که نان‌شان بیش از این نرخ گران‌تر نشود؟! وانگهی، حق این است که قیمت نان به‌عنوان استراتژیک‌ترین ماده غذایی ایرانیان، با نظام یارانه‌ای موجود کمتر از نرخ تورم افزایش یابد.

وضع امروزه

تیریک: «دولت، سکوت، نان»

اعلام شبانه افزایش قیمت نان در حالی‌که مصوبه چنین افزایشی حدود ۲۵روز قبل از این، اعلام و در ۱۴آبان به تصویب هیات وزیران رسیده بود نتهتا برای مردم بلکه برای نانوایانی که مجریان اصلی این مصوبه هستند نیز پر از ابهام بود. علاوهبر این تصویب شد میزان افزایش قیمت نان تا ۳۰درصد باشد اما در تهران ۳۴درصد و در برخی از استان‌ها از جمله اردبیل تا ۶۰درصدگران شد. این یعنی آنکه دولت برای این منظور وحدت رویه‌ای نداشته و نظارتی هم در زمان اجرا صورت نگرفته. یکی از پایگاه‌های خبری حامی دولت در مطلبی با عنوان «افزایش ۳۰درصدی قیمت نان: این بود شیب ملایم؟» آورده است که: «افزایش ۵۰تومانی نان لواش، می‌تواند اقتصاد خانواده را تکان دهد و محاسبات سرپرست خانواده را به هم بریزد.

قیمت نان

سرمقاله: «ازماندگاری»؛ حسین شمسیان
خبر تبرئه «حسنی مبارک» دیکتاتوری که ۳۰سال بر مصر حکومت کرده بود، بار دیگر سبب پدیدآمدن ناآرامی‌هایی در قاهره و برخی شهرهای دیگر مصر و بروز درگیری پلیس با مردم و حتی کشته و زخمی‌شدن عده‌ای شد. دشمن‌شناسی و بی‌اعتمادی همیشگی به آمریکا یک ثمره دیگر هم داشت و آن عدم به‌کارگیری نوکران و عوامل دشمن بود. در روزهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی، عوامل رژیم طاغوت را به هر نحو مرتکب جنایت علیه مردم شده بودند، با خواست عمومی و مطالبه ملی، محاکمه و مجازات شدند. این را مقایسه کنید با رفتار کسی که عامل مهم‌ترین جنایات مبارک یعنی رییس ستاد ارتش را علیرغم قیام ملی و شکستن ساختار دیکتاتوری، در جایگاه خود ابقا کرد و تنها یک سال بعد، همان شخص یعنی ژنرال سیسی در مقابل چشمان حیرت‌زده مردم، در کودتایی آشکار دولت برآمده از انقلاب را سرنگون کرد و خود بر تخت قدرت تکیه زد! همان رویایی که آمریکا در سال‌های اول انقلاب اسلامی ما هم داشت و البته به کاپوسی وحشتناک تبدیل شد.

سیاست

آغاز و پایان «نهضت جنگل» در گف‌ت وگو با پروف‌سور شاپور رواسانی

خانواده «میرزا کوچک» به آمریکا رفتند

مهدی بازرگانی

ظهر یک‌روز تابستان بود که به خدمت‌ش رسیدم. تازه از آلمان برگشته بود. تا لطف می‌کرد و شربتی می‌آورد، به کتاب‌هایش نگاهی انداختم. روبه‌رویم و در سمت چپ، کتاب‌های آلمانی و انگلیسی یک‌طرف اتاق را پر کرده بود. سمت راست‌هم کتاب‌های فارسی بود. میان انگلیسی‌ها واژه «امپریالیسم» برایم برجسته است و در سمت راست‌هم مجموعه‌ای از تاریخ و فرهنگ و ادب ایران. به نظرم اتاق کارش نمایي از شخصیت علمی و افق فکری اوست. استاد بازنشته دانشگاه «اولدنبورگ» آلمان، متولد رشت و تحصیل‌کرده آلمان در علوم سیاسی و استاد صاحب‌کرسی آنجاست. با او به مناسبت ۱۱آذرماه، سالمرگ «میرزا کوچک‌خان جنگلی» درباره اقتصاد سیاسی نهضت‌جنگل، مذاکرات کراسین و برخی موضوعات مطروحه گفت‌وگو کردیم.

■ شما اعتقاد دارید که ما به تاریخ کمتر نگاه اقتصادی داشته‌ایم. شما علاوه‌بر اینکه مورخ نهضت جنگل هستید، استاد اقتصاد کشورهای در حال رشد هم بوده‌اید. نگاه اقتصادی، شما را به سمت تحلیل چه نکاتی می‌برد؟

در برنامه‌ه جنبش جنگل که در کنگره کما تصویب شد، نظریات بسیار روشنی درباره اقتصاد ایران ارایه می‌شود. به اعتقاد من هنوز هم این برنامه بسیار پیشرفته‌تر است. ای کاش آن برنامه اقتصادی در ایران پیاده می‌شد. شما بخش اقتصادی برنامه کما را مطالعه بفرمایید. در این برنامه‌ا حقوق محرومین صحبت شده است.

■ درباره کنگره کما و کسانی که در آن حضور داشتند، چه اطلاعاتی در دست است؟

مطلقا تا به حال چیزی به دست نیامده، علت هم این است که متاسفانه جامعه روشنفکری ما به‌جای اینکه خودش را با مسایل ایران مشغول کند و برود در محل دنبال مطالب تاریخی بگردد، خودش را با مسایل چارگوشه دنیا مشغول می‌کند. نمی‌دانند ایران چه خبر است اما می‌داند در آفریقا چه اتفاقی افتاده. این بی‌اطلاعی تاریخی روشنفکران - از جمله بنده - است که ما به مسایل داخلی بیاند ده کما کجاست؟ و در آنجا کجایاتی انجام بدهند. این وظیفه روشنفکران ایران است که بروند و الان اگر ممکن باشد به آرشیوهای دولت آذربایجان مراجعه کنند و پرونده‌های گیلان را که به روسی یا ترکی هست دربیاورند و منتشر کنند و منتظر نمانند یک مخبر خارجی، یک آلمانی یا آمریکایی مقاله‌ای بنویسد که ترجمه کنند.

مرانامه نهضت‌جنگل، جنبه جهانی دارد و روی طبقات زحمتکش تکیه می‌کند. از آزادی حقیقی صحبت می‌کند و تساوی میان انسان‌ها.

نکات فوق‌العاده مثبتی در پیش‌نویس مرانامه است. به بخش اقتصادی‌اش اگر مراجعه کنیم، جالب است. می‌گوید منابع ثروت از قبیل خالصه‌جات، رودخانه‌ها، مراتع، جنگل‌ها، دریاها، معادن و کارخانجات، جزئی از علاقه عمومی است؛ یعنی حاکمیت مردم را بر آنها تصویب می‌کند.

یعنی این‌یک نظامی است که در آن حاکمیت مردم فقط سیاسی و فرهنگی نیست، اقتصادی هم هست. این نشان می‌دهد کسانی که در کنگره کما بودند آدم‌های متفکری بودند. شما نامه‌های میرزا را بخوانید، خطاب به مدیوایی و لنین. ببینید چه محتوای سیاسی و تئوریک قو‌وی‌ای دارد. این کار یک شخص نیست. اما اینکه چه کسانی این متون را نوشته‌اند، ما هنوز آنها را نمی‌شناسیم.

■ قبل از نهضت جنگل آیا ما چنین مرانامه‌هایی داشتیم؟

تخیر نداریم. قبل از میرزا مشروطه بود و آنجا چنین چیزی ننوشتند. ما مرانامه‌های که تقسیم‌بندی خیلی جالبی داشته باشد و دقیقا سیاست و اقتصاد و فرهنگ را با هم یکجا مطرح کند، نداریم. مرانامه نهضت‌جنگل که در داخل برگ‌های زرین تاریخ ایران است که کسی درباره نویسندگانش اطلاعی ندارد.

■ حدس هم نمی‌شود رد که این مرانامه نهضت جنگل را چه کسانی نوشتند.

این به کنگره کما و کسانی که در آن حضور داشتند بر می‌گردد، ولی هنوز هم ما اطلاعاتی درباره اینکه شرکت‌کنندگان در این کنگره چه کسانی بودند، نداریم. این مرانامه نیاز به تحقیق مفصل دارد. چندنفر باید بروند کما و راجعه این موضوع از مردم در محل تحقیق کنند. ولی کسی تا به‌حال چنین کاری نکرده است. چیزی که ما می‌دانیم همان‌هایی است که مرحوم‌فخرایی نوشته و چون ایشان از تاثیرگذاران نهضت‌جنگل بودند، به اعتبار ایشان این نقل می‌شود. بعد از ورود ارتش‌سرخ، دواتفاق افتاد؛ یکی اینکه میرزا کوچک‌خان به انزلی رفت و قراردادی ۹-ماده‌ای منعقد شد که یکی از موادش این بود که دولت شوروی حق دخالت در نهضت‌جنگل را ندارد و اگر هم اسلحه بدهید پولش را می‌دهیم.

ولی دولت شوروی به این‌قرارداد عمل نکرد. حزب کمونیست که تشکیل شد در اولین کنگره‌اش اعلامیه‌هایی که تهیه کردند به زبان روسی بود. چون اعضایی که در کنگره اول شرکت کردند همه ایرانیانی بودند که در باکو، قفقاز و جاهای مختلف زندگی می‌کردند. وقتی ارتش‌سرخ آمد آنها هم آمدند. ولی از کنگره‌های بعدی اعلامیه‌ها فارسی شد. این نشان می‌دهد که آنها با اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران آشنایی نداشتند. این حزب کمونیست به حزب عدالت و سازمان همت وابسته بود و بخشی از حزب کمونیست روسیه محسوب می‌شد. در نتیجه از نظر سازمانی مطیع و عامل

در مورد کراسین و مذاکرات با او چه می‌دانید؟

کراسین رهبری حزب کمونیست شوروی بود و در همان موقع در حال مذاکره و سازش بود.

■ تاامظفرزاده و گانوک می‌خواستند از تریبون کنگره ملل شرق برای بیان تعارض حزب مرکزی کمونیست ایران و نهضت جنگل استفاده کنند؟

بله، اینها چون از محتوای سیاست‌های دولت شوروی با انگلستان اطلاعی نداشتند اما کارهای حزب کمونیست از سیاست‌های دولت شوروی و رهبران دولت مرکزی ایران اطلاع داشتند.

■ داستان پشت پرده کنگره ملل شرق چه بود؟

وقتی انقلاب اکتبر صورت گرفت، روسیه یک کشور کشاورزی بود. یعنی آن موقع فقط در مسکو و سن پترزبورگ و باکو مرکز کوچکی صنعتی وجود داشت. اکثریت جامعه روسیه را موزیک‌ها (دهقانان) تشکیل می‌دادند. لنین می‌گفت کمونیسم یعنی اینکه ما الکترسیته و راه‌آهن به روسیه بیاوریم. کشور را صنعتی کنیم. لنین معتقد بود بدون اینها در اینجا نمی‌شود کمونیسم را پیاده کرد. آن موقع جنگ جهانی اول تمام شده بود و تنها دولت انگلستان به‌طور مقتدر در صحنه جهانی حاضر بود. به همین جهت حزب کمونیست روسیه شخصی به نام کراسین را به لندن می‌فرستد تا با دولت انگلستان قرارداد راه‌آهن و برق و صنایع ببندد. نخست‌وزیر انگلیس نامه‌ای به چپرین می‌نویسد و می‌گوید وقتی شما در ایران و هندوستان علیه ما تبلیغات می‌کنید من چگونه به پارلمان انگلستان لایحه‌ای ببرم که به شما کمک صنعتی شود؛ شما در ایران و هندوستان مزاحم ما نشوید تا ما با شما قرارداد ببندیم. مذاکرات مدتی طول کشید ولی عاقبت قرارداد منعقد شد. پس از این رویداد نهضت‌جنگل برای شوروی دردسرساز شد. اگر کسی دقت کند، می‌بیند که روابط شوروی و نهضت‌جنگل تابعی از پیشرفت مذاکرات کراسین بود. وقتی دولت شوروی می‌خواست انگلستان را تحت فشار قرار دهد می‌گفت میرزا کوچک رهبر زحمتکشان جهان است. اما زمانی که لندن روی خوش نشان می‌داد، می‌گفت ما با این یانی کاری نداریم. در آن زمان دولت ایران هم ابزار دست خانواده‌اش تحت فشار قرار گرفتند و عده‌ای نام خانوادگی‌شان را از ترس عوض کردند. عده‌ای هم از گیلان فرار کردند. عده‌ای هم هویتشان را از ترس سیستم پنهان کردند. چون ضربه کاملا خشن و شدید بود. به همین دلیل خانه میرزا کوچک برحسب گذشت زمان مخروبه شده بود و در زمان رضاخان، «استادسرا» که محله فقیرنشین شد، عده زیادی هم از ترس سیستم منکر داشتن روابط با خانواده میرزا شدند. یک آقای دیگر هم بودند در خانه آقای فخرایی که ایشان می‌گفت من پسر میرزا هستم. از لحاظ قیافه شبیه بود. ما آن زمان از او سند خواستیم، ولی چیز قابل‌قبولی نداشت که ارایه کند.

■ می‌خواهم درباره یک مقطع خیلی حساس سولاتی بیرسم. در سپتامبر ۱۹۲۰ میرزا صالح مظفرزاده و آقای گانوک از طرف میرزا کوچک‌خان برای کنگره خلق‌های مسلمان به باکو رفتند. در آنجا چه گذشت و چرا اجازه سخن گفتن نیافتند؟

بله، کنگره تشکیل شد و در آن کنگره سلطان‌زاده و عده‌ای دیگر صحبت کردند. در مدارک منتشرشده صحبتی از متن سخنرانی مظفرزاده و گانوک وجود ندارد. آنها‌یی که صحبت کردند حیدرخان عموآوغلی و سلطان‌زاده بودند و نماینده سازمان‌های مختلف که پروتکل به مقدار زیادی موجود است. اما در این پروتکل از مظفرزاده یا گانوک صحبتی در میان نیست.

■ علت چه بود؟

برای اینکه اگر مظفرزاده و گانوک می‌خواستند صحبت کنند، مجبور بودند تضادهایی که در داخل نهضت‌جنگل است و مربوط به رفتار وابستگان دولت شوروی می‌شد را مطرح کنند. به همین جهت با بی‌اعتنایی و سکوت برخورد شد. چون دولت شوروی می‌خواست سیاست اقتصادی خودش را از دید مشاورانش پنهان کند. خدمت شما گفتم چندسال قبل در آلمان بعد از فروپاشی شوروی جلسه‌ای تشکیل شده بود از اعضای کادرهای احزاب کمونیست اروپای شرقی و ازجمله شوروی و در این کنفرانس از من دعوت کرده بودند که در خصوص استعمار صحبت کنم. من ضمن اینکه درباره اقتصاد جهانی صحبت می‌کردم از نهضت‌جنگل و میرزا کوچک‌خان نیز یاد کردم و واکنش شرکت‌کنندگان بسیار جالب بود. افرادی که نشسته بودند و همه کادرهای احزاب کمونیست بودند -پیرزن و پیرمرد‌ها- از نهضت‌جنگل اطلاعی نداشتند که مشخص شد در مورد نهضت‌جنگل در مطبوعات شوروی سکوت کامل شده است. از سازش رهبری حزب کمونیست شوروی با رهبری لنین با انگلستان صحبتی به میان نیامده بود. در مطبوعات فارسی هم تا زمانی که من به آرشیوها مراجعه نکرده بودم و ماموریت کراسین یعنی ماموریتی که لنین داده بود که بروند با انگلیس کنار بیایند مطرح نشده بود، چیزی در این مورد هم مطرح نمی‌شود و کسی از این مساله اطلاع نداشت، ولی در اثر تحقیقاتی که در جریان کار دکترای خود انجام دادم، ماهیت ماموریت

■ آقای دکتر، برخی منابع نوشته‌اند که صورت مذاکرات بین میرصالح مظفرزاده و گانوک با لنین مکتوب شده است. آیا درست است؟

من هیچ سند مکتوبی را در آرشیو و اسناد ندیدم.

■ همین‌طور که شما قبل از این هم گفتید تمامی اسناد میر صالح مظفرزاده و گانوک از کنگره خلق‌های مسلمان در حال بازگشت به



در خانه میرزا کوچک‌خان

ایران، نابود شده است؟

بله، آنها وقتی وارد ایران می‌شوند در مرز ایران نمایندگان دولت شوروی از آنها بازجویی می‌کنند و عنوان شده بسیاری از استاد و مدارک را دور ریختند و از بین برده‌اند. اینکه آیا رونوشت مطالب کنگره باکو اکنون در آرشیوهای قدیمی دولت فعلی آذربایجان هست یا نه، جنبه تحقیق دارد. یک گروهی باید بروند و آرشیوها را با دقت مطالعه کنند.

■ بعضی‌ها این بحث را مطرح می‌کنند که میرزا شخص گانوک را نماینده خودش در گفت‌وگو با روسای حزب کمونیست در شوروی قرار می‌دهد و این گانوک، مترجم خوبی نبوده و مطالب را خوب انتقال نمی‌داده، بنابراین خودش ترجمه می‌کرده. آیا این درست است؟

نه این را چه کسی می‌گوید؟ سوال این است که آیا کسی در مذاکرات گانوک با نمایندگان حزب کمونیست حضور داشت؟ چه کسانی چنین ادعایی می‌کنند و چه مدارکی برای اثبات این ادعا ارایه می‌کنند؟

■ گانوک تا لحظات پایانی در کنار میرزا کوچک قرار داشت و با خود میرزا گشته می‌شود و یخ می‌زند. ولی هیچ اطلاعی از این به بعد موجود نیست. حتی مشخص نیست پیکرش در کجا دفن می‌شود و به چه شکلی؟ آیا سر او هم بریده می‌شود؟

نه، میرزا و گانوک هر دو در راه دچار سرمازدگی می‌شوند و گانوک در اثر سرمازدگی می‌میرد و خود میرزا هم که قادر به حرکت نبوده و به زحمت خود را در سرما تکان می‌داده -به نقل از مرحوم فخرایی - از دور یک نفر متوجه می‌شود که یک نقطه سیاهی، تکانی می‌خورد و می‌آید می‌بیند که پیکر بی‌جان میرزا کوچک‌خان در گوشه‌ای افتاده، بنابراین کسی حضور نداشت که گانوک را دفن کند و بدین‌ترتیب گانوک در زیر برف و سرما از بین رفت.

■ چندوقت پیش خبری خواندم که شما دنبال پیدا کردن خانواده میرزا کوچک هستید.

آن پیگیری به کجا انجامید؟

دوستی دارم به نام آقای دکتر صراف. ایشان به یکی از بیمارستان‌های تهران رفته بود و آنجا یکی از بازماندگان میرزا را پیدا کرده بود. خانمی مسن و مریض‌احوال بود و عکسش را هم گرفته. بعد معلوم شد که چندتایی از خواهران میرزا به آمریکا رفتند و اینجا نیستند. میرزا یک‌برادر و سه خواهر داشت.

این خانم طوری که آقای صراف گفتند شبیه میرزا بود اما مشکلی هم وجود داشت که ایشان به‌دلیل حادثه رانندگی که برایشان پیش آمده بود، اختلال ذهنی داشت. از قرار، پرستاری از طرف خانمی (از خواهران میرزا) از آمریکا آمده بود تا کارمندان را باشد. وقتی میرزا کوچک‌خان کشته شد، خانواده‌اش تحت فشار قرار گرفتند و عده‌ای نام خانوادگی‌شان را از ترس عوض کردند. عده‌ای هم از گیلان فرار کردند. عده‌ای هم هویتشان را از ترس سیستم پنهان کردند. چون ضربه کاملا خشن و شدید بود. به همین دلیل خانه میرزا کوچک برحسب گذشت زمان مخروبه شده بود و در زمان رضاخان، «استادسرا» که محله فقیرنشین شد، عده زیادی هم از ترس سیستم منکر داشتن روابط با خانواده میرزا شدند. یک آقای دیگر هم بودند در خانه آقای فخرایی که ایشان می‌گفت من پسر میرزا هستم. از لحاظ قیافه شبیه بود. ما آن زمان از او سند خواستیم، ولی چیز قابل‌قبولی نداشت که ارایه کند.

گزارش

راه‌آهن ۹۲۰ کیلومتری شرق خزر افتتاح شد

۳رییس جمهور در یک واکن

● **شرق:** خط راه‌آهن ترانزیتی شرق دریای خزر با حضور روسای جمهوری ایران، ترکمنستان و قزاقستان گشایش یافت. این خط آهن ۹۲۰ کیلومتری به‌عنوان کریدور ریلی شمال به جنوب از شهر اوزن در قزاقستان تا شهر گرگان در استان گلستان ساخته شده است. به گزارش ایرنا مراسم آغاز بهره‌برداری از راه‌آهن ایران - ترکمنستان - قزاقستان در ایستگاه «آک یایلا» واقع در خاک ترکمنستان برگزار شد. با این خط آهن، مسیر حمل‌ونقل تجارت جهانی میان شرق (از چین تا آسیای مرکزی) و غرب جهان (به‌ویژه اروپای غربی) حدود ۱۰هزار کیلومتر راه زمینی کاهش یافت. وزیران راه کشورهای ایران، ترکمنستان و قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان، جمهوری آذربایجان و عمان نیز در این مراسم حضور داشتند.

حسن روحانی در این مراسم با اشاره به اهمیت افتتاح خط راه‌آهن میان سه کشور ایران، ترکمنستان و قزاقستان، گفت: «ما امروز گام مهمی در راستای رفع نیازهای منطقه و توسعه کشورهای منطقه برداشته‌ایم، اما این گام، گامی اولیه است و باید آن را تکمیل کنیم.» به گزارش ایسنا، حسن روحانی با بیان اینکه «مراسم امروز یک مراسم تاریخی و به یاد ماندنی برای کشورهای منطقه به‌ویژه سه کشور ایران، ترکمنستان و قزاقستان است»، افزود: «باید امروز مسرت وصف‌ناشدنی خود را از طرف ملت بزرگ ایران و ملت‌های منطقه به‌ویژه ترکمنستان و قزاقستان ابراز کنم.»

روحانی گفت: «ما سه کشور ایران، ترکمنستان و قزاقستان گرچه از لحاظ سیاسی دارای استقلال کامل و نظام خاص حکومتی و حقوقی هستیم اما از لحاظ تاریخی، فرهنگی، دینی و اعتقادی به قدری به یکدیگر نزدیک هستیم که شاید نظیر این وحدت و اتحاد و نزدیکی کمتر در تاریخ کشورهای مختلف یافت شود.» رییس جمهوری با بیان اینکه «این زیربنا برای ما دارای اهمیت ویژه‌ای است»، عنوان کرد: «ملت‌های ما از ما می‌خواهند که شرایط را آنچنان مهیا کنیم تا روابط مختلف ملت‌ها و دولت‌های منطقه به ویژه سه کشور همسایه ایران، ترکمنستان و قزاقستان که هر سه در کنار دریای خزر حضور دارند با یکدیگر نزدیک‌تر و پیوسته‌تر شود.»

روحانی با بیان اینکه «مردم از ما می‌خواهند که بتوانند راحت‌تر به کشورهای یکدیگر رفت و آمد کنند»، افزود: «مردم می‌خواهند که کالا‌های آنها مناسبت‌تر به دست کشورهای دیگر برسد. آنها می‌خواهند از ما می‌خواهند تا ارتباطات را آنچنان توسعه‌دهیم که شرایط برای همکاری‌های مختلف سه ملت بیشتر فراهم شود.» او در ادامه با تأکید بر اینکه «امروز گام مهمی در راه اجرای خدمت به مردم منطقه از طریق ریل و راه‌آهن شده است»، گفت: «امروز از طریق ریل و راه‌آهن ما تنها سه کشور ایران، ترکمنستان و قزاقستان به یکدیگر متصل شده‌اند، بلکه این راه‌آهن وسیله‌ای خواهد بود تا این کشور راحت‌تر به خلیج فارس و دریای عمان و کشورهای شرقی منطقه، چین، روسیه، ترکیه، اروپا و مدیترانه نزدیک‌تر شوند.»

رییس‌جمهور با اشاره به اهمیت افتتاح خط ریلی میان سه کشور منطقه عنوان کرد: «این گام برای مردم منطقه ما و کشورهای همسایه دارای اهمیت خاصی است و ما در این راستا گام مهمی برداشته‌ایم اما باید اعلام کنم که این گام، گام پایانی ما نیست بلکه گام اولیه‌ای است که باید آن را تکمیل کنیم.» روحانی تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران این آمادگی را دارد که در مرحله دوم با همکاری کشورهای ترکمنستان و قزاقستان ظرفیت‌های موجود را افزایش دهد و راه‌آهن مشترک میان سه کشور را به نقاط جدیدتری متصل کند.» رییس‌جمهوری در ادامه با بیان اینکه «در شرایطی هستیم که باید اقدامی انجام دهیم تا انتقال کالای بین کشورهای ارزان‌تر و همکاری اقتصادی میان کشورهای منطقه باصرفه‌تر باشد»، افزود: «بنابراین در کنار اقدامی که در ریل انجام داده‌ایم در آینده باید در زمینه جاده و همچنین کشتیرانی میان کشورهای ساحلی دریای خزر به‌قدری فعالیت‌ها را گسترش دهیم که شرایط اقتصادی را برای توسعه فراهم کنیم.» روحانی گفت: «خوشبختانه ما می‌توانیم از این طریق کشورهای عضو سازمان اکو را به کشورهای عضو سازمان شانگهای متصل کنیم و شرایط را برای حتی انتقال انرژی و سوآپ مواد نفتی نیز آماده کنیم.»

او ادامه داد: «راه‌آهن بین‌المللی سه کشور ایران، ترکمنستان و قزاقستان زمینه‌ای است تا در کنار آن اقدامات مؤثر دیگری برای رفت‌وآمد مسافران، تسهیل روایید میان تجار و مردم کشورهای منطقه و ایجاد مقررات برای حمل‌ونقل راحت‌تر و سریع‌تر کالا‌ها را فراهم و شرایط بهتری را برای اقتصاد و رفاه مردم خود و منطقه ایجاد کنیم.» روحانی در پایان عنوان کرد: «ما باید تلاش کنیم تا پیوند و روابط کشور‌ها به یکدیگر نزدیک‌تر شود؛ چراکه توسعه، امنیت و ثبات کشورهای همسایه، توسعه، امنیت و ثبات یکدیگر است.»